

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

چندی قبل زمانیکه اعمال نامۀ سیاهی به نام "منشور مصالحه ملی" توسط پارلمان نشینان کابل رقم زده و منتشر شد، چیز های زیادی درباره آن گفتند و نوشتند. در یکی از این نوشته ها، توضیح داده بود که چرا چنین مصوبه ای مطرح شده و چرا هر از گاهی چنین پروپاگند هائی به میدان کشیده میشود. اینک باز بحث بر سر آن مصوبه در زمانی مُد روز گشته که امپریالیسم متجاوز، اینبار به رهبری اوباما برنده جایزه صلح، و نوکران بومی اش (دولت مزدور و تمام ارکانش با طالبان وحشی و مزدور) همه روزه به قتل و غارت مردم ما دست میزنند. این جنایت پیشگان حرفه ئی برای خاک پاشیدن بر جنایات روز مره، از جنایات پیشین یاد میکنند و مردم را با سراب عدالت میفریبند. در حالیکه هرگز با حاکمیت استعمار و ایادی اش چشم کس به عدالت و محاکمه این جانیان نخواهد افتاد. در این هیاهوی مکرر انتشار دوباره نوشته زیر را خالی از مفاد نمیدانم.

از: غلام محمد نادر

مصوبه پارلمان فرمایشی افغانستان

گندم از گندم بروید جو ز جو

بعد از پخش و انتشار "منشور مصالحه ملی" مَصَوَّب ۱۳ جنوری ۲۰۰۷ پارلمان فرمایشی افغانستان، سروصدای زیادی در مطبوعات و رسانه های گروهی علیه و برای آن راه افتاد و تقریباً میتوان گفت فیصدی زیاد وقت و کار این رسانه ها و نویسندگان شانرا به خود اختصاص داده است. درین مدت دیگر کمتر کسی در مورد شکست سیاست های امریکا و متحدینش در افغانستان یا در مورد فقر، گرسنگی، سرما و بیدادگری های حاکم بر جامعه ما که همه محصول تجاوز و ستم امپریالیسم جهانی و متحدین بومی آن است سخنی گفته و یا نوشته است. جالب اینجاست که این مسأله زمانی به میدان کشیده میشود که امریکا برای تداوم تجاوزش به افغانستان و تأمین مصارف نظامی آن از مجلس سنای آن کشور پول ویژه طلب کرده است؛ و از سوی دیگر ناتو برای اعزام نیروی بیشتر و ابزار جنگی بیشتر برای محکم تر کردن سلطۀ تجاوزگرانه خود در افغانستان تصمیم گرفته است. هکذا اتحادیه اروپا به جنرال مشرف برای تحکیم بیشتر خط دیورند و عده کمک داده است. به نظر من بیرون دادن چنین تصویبی، در همچو شرایطی اتفاقی نیست و جزئی از پلانهای به شمار میرود که استعمارگران توسط ادارات مستعمراتی شان برای

بَرت کردن افکار مردم عملی میکنند وبا انجام آن خاک به چشم مردم میزنند، تا پلانهای شوم شانرا بدون دغدغه به عمل در آورند.

امروز دیگر، به جز عناصر مزدور ویا مزدور (ویا احمق) ، دیگر همه میدانند که افغانستان کشوری اشغال شده و مستعمره است که در آن نیروهای مسلح و غیر مسلح خارجی در زد و بند با جنایتکارترین نیروهای جامعه ما حکومت میکنند. ارگانهای دولتی اعم از قوای سه گانه، ارتش، پولیس و . . . ابزاری هستند که برای تأمین منافع استعمار و نیروهای ارتجاعی وابسته به آن عمل میکنند و هرگز نه قادر اند و نه مایل که خلاف آن از ایشان سرزند. بناءً هر فیصله و عملکرد حکومت، پارلمان، قضاء و سایر ارگانها را باید در این چوکات دید و نه سواى آن. از این زاویه است که میتوان گفت از پارلمانی چنین، فیصله ای چنان و این تعبیری ندارد. چه، "گندم از گندم بروید جو زجو". تعجب وقتی است که با فرض محال فیصدی کمی از فیصله های "پارلمان" به نفع مُلک و ملت میبود (!!)

پارلمان موجود افغانستان هم مثل حکومتش در وضعی است که بدون کمک امپریالیستهای متجاوز و اشغالگر وطن ما "نه قادر به زیستن است و نه توانائی مردن" دارد. ولذا فیصله اش نیز در راستای منافع مشترک استعمار – ارتجاع است، هرگونه انتظاری سواى این، انتظاری است غیر موجه .

من درینجا میخواهم به عواملی که منجر به چنین فیصله ای شده مختصراً بپردازم تا بتوانیم به درک روشنی از رویدادها ، درست در لحظه وقوع آنها، برسیم و درک شایسته ای از تاریخ روزمره داشته باشیم .

به استثنای ریزه خواران و خرده کارشناسان "تمدن" زده از خود رفته که به قول دانشمندی "کاردانی، روشن بینی و خصال فکری شان از نوک بینی شان فراتر نمیرود" ، امروز دیگر همه می بینیم که امریکائی ها و متحدین آنها در صدور دموکراسی من درآوردی شان به عراق و افغانستان به گِل مانده اند، الگوئی از ناکامی هستند و با هر حرکت اَرابه شان فروتر میروند. بخش های "واقع بین تر" جوامع غربی خطر درهم شکستن چرخ و چنبر متجاوز خویش را در تهلکه عراق و افغانستان پیش بینی میکنند، لذا میکوشند تا از رسوائی آن بکاهند. هم اکنون در امریکا انواع اعتراضات از مجلس سنا و احزاب دموکرات و جمهوری خواه گرفته تا سطح جنرالها و صاحب نظران نظامی شکل گرفته است؛ کمیته سازی ها و پیشنهاد بازی هائی در جریان است تا بوش و همدستان ماجراجو و جنگ طلبش را به عواقب وخیم عملکرد شان در عراق و افغانستان متوجه بسازند. و میکوشند تا به نحوی راه عقب نشینی را به نیروهای شان هموار کنند. ولی بوش کاوبای و همدستان جنگ طلبش به اعزام بیشتر نیرو و تشدید جنگ تأکید دارند. وضع موجود در امریکا هم اکنون دقیقاً مشابه وضعی است که امریکا در مراحل پایان جنگ ویتنام داشت. یعنی امریکا در ارتباط با جنگ در عراق و افغانستان شکست خورده و در نتیجه در بحران کامل فرو رفته و این بحران منجر به تشدید تضاد محافل داخلی امپریالیسم امریکا گشته است. در همین هفته ای که گذشت در واشنگتن و در مقابل کاخ سفید تظاهراتی با شرکت بیش از صد هزار نفر علیه جنگ عراق و افغانستان برپا گشت.

اروپا نیز درین بحران درگیر شده است، در ایتالیا احزاب اپوزیسیون خواستار برگشت نیروهای نظامی شان از افغانستان هستند و طرحهای مذاکره با طالبان را پیشکش میکنند. در آنجا نیز بر سر تداوم حضور و یا عقب نشینی نیروهای متجاوز تضادهای عمیقی در حال شکل گیری است. تظاهرات عظیمی به ضد جنگ، در ایتالیا نیز برگزار گردید.

اپوزیسیون دولت المان نیز به شرکت نیروهای شان در جنگ افغانستان مخالفت میکند. ولی دولت مداران المان برای اغوای مردم خود شرکت در بازسازی افغانستان و کشف مراکز طالبان را توسط طیارات جنگی خود عنوان میکنند.

اسپانیه و فرانسه هم با چنین مشکلی دست به گریبان هستند. با این حال دولت های متجاوز غربی زیر فشار امریکا میکوشند که از طریق ناتو و به اصطلاح پابندی به تعهدات شان با ارسال قوای بیشتر بحران را مهار کنند. در ساحة تبلیغاتی نیز در عراق و افغانستان و در سطح جهان حادثه آفرینی میکنند تا پرده ای از ابهام بیافزینند و بحران و شکست شانرا در عقب آن مخفی نگهدارند. وسخن کوتاه جنگ در افغانستان و مخالفت با آن موضوع داغ جهان گشته است.

در چنین جوی است که **در افغانستان** هیاھوی "منشور مصالحه ملی" را در پارلمان راه می اندازند و تمام نظر ها، قلم ها و افکار را متوجه دلقک بازی های یک مُشت طَرار جنایتکار شناخته شده خزیده در لانه رسوائی به نام پارلمان میسازند و **در عراق** موثر لاری پُر از مواد منفجره را در شلوغ ترین منطقه شهر بغداد انفجار میدهند و صدها انسان بیگناه را به خون میکشند و از آن به تشدید تضاد شیعه و سنی بهره میگیرند تا خود با آرامش خاطر در عراق و افغانستان بمانند و هر چه بخواهند بکنند.

جانب دیگر قضیه منشور مصوبه پارلمان فرمایشی افغانستان در لحظه کنونی اینست که امپریالیسم و چاکران بومی اش (جهادی ها، پرچمی- خلقی ها و شرکای جرم شان) ضمن همسوئی منافع شان اینجا و آنجا تقابل هم دارند و این شکلی از مبارزه و همگونی اضداد است.

ما در همسوئی های شان دیدیم که امریکا در تقابل با شوروی هم جناح الا زهری اخوان المسلمین را که ربانی و گلبدین نماینده شان بودند ملیارها دلار کمک کرد؛ و هم جناح "ربیطاط العالم الاسلامی" که نماینده و هابیت سعودی بود توسط "سیاف" از کمک سرشار امریکا برخوردار شد. و اما اصول مهمتر دوستی امپریالیسم، اصول تأمین منافع اوست. هرکس و هر آن که سود بیشتر برساند تقرّب بیشتری به امپریالیسم می یابد.

ما همچنان دیدیم که با تأمین بهتر منافع امریکا و متحدینش توسط طالبان، چاکران جهادی تنظیم های هفتگانه به زباله دانی افتادند. ولی چندی بعد باز با تعویض سیاست امریکا در منطقه، مکرراً به اجساد متعفن جهادی ها به جای نفس مسیحا نفس "بوش" دمیده شد و دوباره آنها را به مسند قدرت آوردند؛ و اما این بار با شرط و شروط و نوازش و تهدید و ...

امریکائی ها با کشیدن رهبران تنظیم های جهادی از سوراخ های پنهانی که به خاطر زنده ماندن شان در آن خزیده بودند، و نشان دادن شان بر کرسی های مختلف قدرت مشروط، اهداف مختلفی را دنبال میکنند که ما از شرح همه درینجا میگذریم.

و اما یکی از برزنده ترین اهداف امریکا ترساندن مردم ما از حضور جهادیها و احیاناً حاکمیت دوباره این هیولا های مستبد، خونخوار و بی پر نسیب است که در دوره حکومت مستعجل شان به هیچ کس و هیچ چیزی رحم نکردند و نشان دادند که در تأمین اغراض پست شان **به هیچ دین و آئینی و یا قوم و ملیتی و حتی مُلک و ملتی** پایبند نیستند. بر دین و آئین مردم بدتر از کفار قریش تاختند و اقوام و ملیت ها را ظالمانه تر از هر راسیستی به خون کشیدند و آبادانی و دارائی مُلک و ملت را بر باد، ویران و غارت کردند.

آری! امریکا از حضور اینان چون ارواح خبیثه بهره میگیرد و با نشان دادن شان به مردم و گرفتن جلوشان به دست خود، خودش را ناجی مردم از شرّ این هیولا ها جلوه میدهد و بدین ترتیب حضور تجاوزگرانه اش را به سرزمین ما توجیه میکند. امریکا، این سردمدار جهانی زور و نیرنگ، در پهلوی ترساندن مردم از جنایتکاران جهادی، برای کنترل بیشتر بر آنها دگمه های فشار مختلفی را در دست دارد که گاه و بیگاه بر یکی از آنها فشار میدهد تا احتمال هرگونه سرکشی را از چاکران خود سلب کند. یکی از این دگمه های فشار، تهدید به محاکمه جنایتکاران جنگی است

که در فرصت های معینی از طریق کمیته های حقوق بشر و مانند آن صحنه آرائی میشود. طرح این مسأله برای جنایتکاران جنگی افغانستان که مطیع، همکار و هم کردار امریکا بوده هستند، تا حال بخشی از خیمه شب بازی های مشترک شان بود. ولی پس از اعدام صدام حسین در عراق، ریشه مرگ اندام بی ریخت جنایتکاران جنگی افغانستان را که عمدتاً در پارلمان و بعضاً در ادارات حکومتی دیگر نصب شده اند، به لرزه درآورده و از اعتماد شان بر ولینعمتان غربی کاسته است. آنها دیدند که صدام حسینی که در دوران جنگ سرد به دستور امریکا و کمک سی آی ای، کمونیست های عراقی را شکار و سربیه نیست میکرد، صدامی که به دستور و کمک امریکا به ایران حمله کرد و با سلاح های کیمیاوی و زهر آگینی که امریکا برایش داده بود با عث ویرانی و قتل ایران و ایرانی شد، صدامی که بعد از سقوط شاه ایران به عنوان ژنرال امریکا در منطقه بود و برای تأمین منافع امریکا تلاش بیدریغ میکرد، و راز های زیادی از امریکا و نیرنگهایش داشت، فرصت گفتن یک کلمه برایش ندادند و چنان مفتضحانه بر سر دار رفت. پس جنایتکاران جنگی افغانستان، این موجودات حقیر و بیمقداری که با امتیازات اندکی خود را فروخته اند، چه ارزشی برای امریکا خواهند داشت؟ اینجا است که گاهی به قول معروف "گورکنانی را که میبایست جسد شانرا دفن کنند دم خانه خود منتظر می بینند". لذا دور از امکان نیست که راه های نجات از محاکمه و مرگ را جست و جو کنند. در جست و جوی چنین راهی است که لحظه موجود را غنیمت شمرده با استفاده از بحران دامنگیر امریکا و درگیر یهای داخلی و خارجی حکومت بوش و ضعف حکومت دست نشانده کرزی، حملات پی در پی طالبان بر آن، فشار پاکستان بر کرزی و عوامل بیشمار دیگر در پی تصویب "منشور مصالحه ملی" برآمدند تا حد اقل در روی کاغذ هم که شده از عذاب روانی شان بکاهند.

به نظر من بحث بر سر اینکه این مصوبه قانونی نیست و یا هست ما را از راه به بیراه میبرد. اگر ما قوانین حاکم در کشور مستعمره افغانستان را که بدون اراده مردم و در تأمین و حراست منافع استعمار و ارتجاع سرهم بندی شده معتبر بدانیم، این مصوبه هم بعد از طی مراحل بیروکراتیک اش شکل قانونی میگیرد. چون هیچ فرقی بین این پارلمان ولویه جرگه ای که قانون اساسی را تصویب کرد وجود ندارد. ولی از آنجا که این جرگه ها و پارلمانهای نام نهاد کوشیده اند قوانین را متناسب با قرار و مدار های که بین نیروهای اشغالگر خارجی به نمایندگی از امپریالیسم جهانی و فوندامنتالیستهای جهادی به نمایندگی از سیستم تاریخزده ارباب رعیتی صورت گرفته، به نفع و سلیقه مشترک این نیروها ترتیب، تدوین و تصویب کنند و طوری سیاه روی سفید بریزند که "بُرد با هردو باشد". و چیزی که در آن به هیچ صورت در نظر گرفته نشده و نمی توانست در نظر گرفته شود، منافع کشور و مردم افغانستان و حقوق دموکراتیک این مردم است که هم اکنون متاع بازار مکاره جهانی شدن سرمایه گشته است. بناءً چنین قوانین و مصوباتی در کل مورد تائید مردم افغانستان و عناصر مردمی آن نیست و در قبول آن هم هیچ الزامی نه در حال و نه در آینده وجود دارد. در مصوبه "منشور مصالحه ملی" پارلمان فرمایشی نیز "کلمات فقط برای سرپوش گذاشتن بر حقیر ترین و شنیع ترین فرومایگی ها هستند" که برای التیام زخم خونچکان وجدان آلوده جنایتکاران روی کاغذ ریخته شده و از هیچ گونه اعتباری نزد مردم برخوردار نیستند.

با اینحال این مصوبه با تمام پلیدی هایش چند نکته جالب دارد:

اول اینکه این سند یک اعتراف دستجمعی و رسمی جنایتکاران به جنایت شان است. آنها تیکه تاحال جنایات شانرا زیر نام دفاع از پیشرفت (خلفی - پرچمی ها) و یا جهاد مقدس (احزاب جهادی) میپوشاندند، حال وقیحانه اعتراف میکنند که مرتکب جرم و جنایت شده اند؛ ولی تقاضا میکنند که "مورد تعقیب عدلی و حقوقی قرار نگیرند".

دوم اینکه "جهادیون مقدس" برای جلب عفو و بخشش مردم درین منشور خود را همطراز کفار قریش دانستند که این اعتراف نیز برای مردم باید جالب باشد؛ و توضیح آن اینست که تصویب کنندگان "منشور مصالحه ملی" عملکرد خود را در زیر پا کردن اصول و عقاید مردم درست معادل عملکرد کفار قریش قرار دادند و از مردم میخواهند که با تقلید از سیره پیغمبر اسلام آنها را به بخشایند.

درالگوی دیگری که ارائه میکنند به حق عملکرد شانرا در کشتار و ظلم به ملیت های مظلوم افغانستان، اعم از پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک و غیره به کشتار و ظلم سیاه پوستان توسط راسیست ها یا نژادپرستان سفید پوست افریقای جنوبی همانند ساخته و با این اعتراف وقیح از مردم طالب عفو میشوند. واما درمورد ویرانگری مُلک و خراب کردن اماکن و غارت اموال مردم توسط جنایتکاران پارلمان نشین، منشور نویسان درکل جهان چنین نمونه وحشتناکی نیافته اند؛ ولذا این بخش جنایت شان همچنان مسکوت و بی بدیل مانده و روی عفو خواستن از آن را هم ندارند.

با تمام این اعترافات نه امریکا که همپیمان و شریک جرم جنایتکاران است و نه نهاد های بین المللی زیرفرمانش تا زمانیکه با جنایتکاران بومی در افغانستان منافع مشترک دارند، هیچ کدام به فکر و یا درصدد محاکمه این جنایتکاران نمی شوند. فقط با طرد تجاوز اجانب و به زیرکشیدن متحدین جنایتکار بومی شان از اریکه قدرت و گرفتن سرنوشت مردم افغانستان به دست خودشان است که با ایجاد نهادهای مردمی میتوان درحل و فصل عادلانه کلیه قضایای مُلک و ملت خود امیدوار بود.

دست کلیه تجاوزگران و عمال جنایتکار بومی شان از افغانستان کوتاه !